یادداشت

از ژاله‌های خون تا امروز
تکرار شکست در میدان محاسبه



سیدعبدالله متولیان
کارشناس سیاسی

۴۸ سال از آن جمعه سیاه می‌گذرد، اما مسئله اصلی ۱۷ شهریور فقط یادآوری یک کشتار نیست، بازخوانی محاسبه‌ای است که آن روز شکست خورد و امروز نیز در برابر ملت ایران تکرار شده است. ۱۷شهریور ۱۳۵۷ را باید در متن یک واقعیت تاریخی دید: رژیم پهلوی در واپسین ماه‌های عمر خود با بحران مشروعیت و گسترش اعتراضات روبه‌رو بود و حکومت نظامی را به عنوان ابزار مهار بحران به کار گرفت. ارتشی که طی دهه‌ها از هدایت و حمایت‌های آموزشی، لجستیکی و تجهیزاتی گسترده امریکا برخوردار بود، در میدان ژاله (که به یمن و برکت خون پاک شهدا، میدان شهدا نام گرفت) به روی مردم آتش گشود. اهمیت ۱۷شهریور در آزمون تاریخی و تکرارشدنی درباره نسبت «زور» و «اراده ملت» است. رژیم پهلوی تصور می‌کرد با قتل‌عام مردم و ایجاد هراس می‌تواند خیابان را آرام کند، اما نتیجه خلاف آن شد و خون‌های ریخته‌شده، به جای خاموش کردن اعتراض، به آن عمق و شتاب بیشتری بخشید.

هدف ثابت امریکا در ۴۸ سال گذشته در خصوص بلعیدن ایران و تصاحب منابع نفت، گاز و معادن ایران تغییری نکرده و تنها تکنیک‌ها، تاکتیک‌ها، روش‌ها و ابزارهای قدرت را عوض کرده است. آن روز، امریکا به حکومت و ارتش دست‌آموز رژیم پهلوی تکیه داشت و امروز روی شبکه نفوذ و جریان غرب‌گرای داخلی حساب ویژه باز کرده است. امروز فشار بر ایران فقط در میدان نظامی تعریف نمی‌شود. کودتا، ترور، حمله نظامی نیابتی و مستقیم، انواع تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و سیاسی، جنگ اطلاعاتی، جنگ نرم و عملیات شناختی، همگی می‌توانند اجزای یک راهبرد واحد برای فرسایش اراده ملی و در نهایت هموار کردن مسیر بلعیدن ایران باشند.

در جنگ جاری نیز حمله مستقیم امریکا و اسرائیل به ایران (۹ اسفند ۱۴۰۴ تا امروز)، نشان داد محاسبات واشنگتن همچنان بر ترکیبی از فشارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی با تکیه به ظرفیت عظیم تبلیغاتی و رسانه‌ای استوار است. اما آن چیزی که همه نظام محاسباتی امریکا و بزرگ‌ترین ائتلاف نظامی، سیاسی و تبلیغاتی تاریخ را به هم ریخته، نقش مردم و حضور مؤثر این سرمایه عظیم و بی‌بدیل اجتماعی است. فراموش نمی‌کنیم که رژیم پهلوی در ۱۷ شهریور از سلاح برخوردار بود، اما در خدمت دشمن و رودرروی ملت ایران بود. قدرت آتش توانست مردم را بکشد، اما نتوانست مسئله اصلی را حل کند: ملتی که توسط حاکمان کشور تحقیر شده بود، حاضر نبود سرنوشت خود را به اراده یک قدرت خارجی و حکومت وابسته بسپارد.

یکی از تفاوت‌های نظام جمهوری اسلامی با رژیم وابسته پهلوی در همین نکته است که بر خلاف رژیم وابسته پهلوی، جمهوری اسلامی ایران مردم را صاحب اصلی کشور می‌داند و با اعتماد به مردم، از این سرمایه عظیم اجتماعی در راه خنثی‌سازی تمامی توطئه‌ها، فشارها و دخالت‌های دشمن استفاده کرده است. امروز ملت ایران با درس‌آموزی از تجربه ۱۷ شهریور، می‌داند که دشمن چگونه از بحران بهره می‌گیرد و می‌داند که حفظ انسجام داخلی، بخشی از دفاع ملی است.

امروز پایداری امنیت ملی در ایران قوی مرهون و مدیون قدرت دفاعی، انسجام اجتماعی، اعتماد عمومی، کارآمدی و روایت ملی در سایه قدرت مدیریت بی‌نظیر و راهبردی ولی‌فقیه و آقای شهید ایران است. اگر فشار خارجی بتواند میان مردم و مدیریت، میان واقعیت و روایت و میان مشکلات اقتصادی و اعتماد عمومی شکاف ایجاد کند، میدان نبرد از مرزها به درون جامعه منتقل می‌شود. این همان چیزی است که ملت مبعوث به خوبی دریافته و حاضر به ترک میدان تا درهم‌شکستن اراده دشمن نیست. از میدان شهدا تا میدان‌های جنگ امروز، یک حقیقت همچنان پابرجاست: هیچ قدرت خارجی نمی‌تواند آینده ملت پای کار انقلاب را به جای آنان تعیین کند. ملت ایران طی پنج دهه مقاومت و پایداری در برابر نظام سلطه، به خوبی یاد گرفته ایام‌الله ۱۷ شهریور و ۱۵ خرداد را در یادها زنده دارد تا پیروزی را در ایجاد خطاهای مکرر محاسباتی دشمن جشن بگیرد و همواره رمز پیروزی را زمزمه کند که: اگر بیدار، متحد و منسجم باشیم و فریب مکر و روش‌های دشمنی دشمن را نخوریم، دشمنی که مقهور اراده یک ملت عاشورایی است هرگز نمی‌تواند تاریخ را به عقب برگرداند و نصیبی جز شکست‌های پی‌درپی و خذلان و عصبانیت (لِيَغِيظَ بِهِمُ الكفّار) نخواهد داشت. پایمردی ملت قهرمان ایران در خنثی‌سازی دسیسه‌ها، فتنه‌ها و توطئه‌های مکرر، یادآور سخن شهید بهشتی است: امریکا، از ملت ایران عصبانی باش و از این عصبانیت بمیر.

خبر آخر



فرمانده نیروی دریایی ارتش:

دشمن را می‌توانیم در هر نقطه‌ای زمین‌گیر کنیم

فرمانده نیروی دریایی ارتش با تأکید بر اینکه دشمن امروز از ابتکارهای عملیاتی نیروهای مسلح ایران اسلامی به‌شدت نگران است، گفت: در صورت لزوم می‌توانیم دشمن را در هر نقطه‌ای زمین‌گیر کنیم.

به گزارش روابط عمومی ارتش، امیر دریادار شهرام ایرانی روز گذشته در دوازدهمین دوره آموزش نظری معارف جنگ که در دانشگاه افسری پدافند هوایی خاتم الانبیا(ص) برگزار شد، ضمن تبریک روز پدافند هوایی، دانشجویان را سرمایه‌های اصلی و زیرساخت‌های اقتدار کشور دانست و با اشاره به نقش راهبردی ایمان و امید، در تقویت روحیه دانشجویان، اظهار کرد: در سخت‌ترین شرایط، آنچه به یاری ما می‌آید، ایمان راسخ و امید به نصرت الهی است؛ مؤلفه‌هایی که رهبر شهید انقلاب اسلامی همواره بر آنها تأکید داشته‌اند. وی با تأکید بر ضرورت آمادگی همیشگی نیروهای مسلح برای «خرمشهرهای پیش‌رو»، خاطرنشان کرد: مأموریت اصلی ما این است که اجازه ندهیم که دشمن به اهداف و خواسته‌های خود برسد و به یاری خداوند، در این مسیر موفق خواهیم بود، چراکه تحرکات دشمن به‌صورت لحظه‌ای، رصد می‌شود.

فرمانده نیروی دریایی ارتش درباره اشراف عملیاتی این نیرو در آب‌های دوردست و مأموریت‌های برون‌مرزی، بیان کرد: غافلگیری دشمن در مأموریت‌های مختلف، به‌گونه‌ای بوده که توان عملیاتی برخی از ناوهای متخاصم را برای مدتی طولانی مختل کرده است. دشمن امروز ابتکارهای عملیاتی نیروهای مسلح ایران اسلامی به‌شدت نگران است و با توجه به پیشرفت‌های حاصل شده، در صورت لزوم، می‌توانیم دشمن را در هر نقطه‌ای، زمین‌گیر کنیم. دریادار ایرانی، دانشجویان دانشگاه افسری پدافند هوایی را «فرزندان برومند ارتش»، خواند و بر ضرورت حفظ روحیه و اعتماد به وعده الهی تأکید و تصریح کرد: اجازه نمی‌دهیم القائات دشمن بر اراده و باور ما تأثیر بگذارد.

خبریک

طائب: مذاکره ذاتاً نه خوب است و نه بد

مذاکره برای گرفتن حق است نه واگذاری آن



مذاکره‌ای که به تثبیت حقوق ملت ایران، تضمین حقوق جبهه مقاومت و حفظ عزت و منافع کشور منجر شود، قابل قبول است؛ اما مذاکره‌ای که به معنای چشم‌پوشی از حقوق ملت یا پذیرش زیاده‌خواهی دشمن باشد، هیچ جایگاهی در سیاست ایران ندارد. به گزارش فارس، حجت‌الاسلام حسین طائب، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، در جمع خانواده شهدای جنگ تحمیلی سوم با اشاره به رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال مذاکره اظهار کرد: دشمن امروز به آتش‌بس پناه آورده و بار دیگر مسیر مذاکره را دنبال می‌کند، اما ایران مذاکره را نه از سر نیاز، بلکه بر اساس منافع و حقوق ملت می‌پذیرد. مذاکره ذاتاً نه خوب است و نه بد، بلکه آنچه به مذاکره معنا می‌دهد، نتیجه آن است.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین تصریح کرد: مذاکره‌ای که به تثبیت حقوق ملت ایران، تضمین حقوق جبهه مقاومت و حفظ عزت و منافع کشور منجر شود، قابل قبول است؛ اما مذاکره‌ای که به معنای چشم‌پوشی از حقوق ملت یا پذیرش زیاده‌خواهی دشمن باشد، هیچ جایگاهی در سیاست ایران ندارد. طائب با تأکید بر روشن بودن موضع جمهوری اسلامی ایران گفت: مذاکره برای گرفتن حق ملت است، نه واگذار کردن آن. ملت ایران همان‌گونه که در میدان و خیابان ایستادگی کرده است، پشت میز مذاکره نیز با همان منطق مقاومت حاضر خواهد شد.

حجت‌الاسلام طائب در ادامه با اشاره به بدعهدی‌های طرف مقابل اظهار کرد: دشمن به تعهدات خود عمل نکرد؛ قرار بود منابع مالی ایران پرداخت شود، اما چنین اتفاقی نیفتاد. همچنین قرار بود مدیریت ایران در تنگه هرمز به رسمیت شناخته شود، اما این موضوع نیز پذیرفته نشد. قرار بود تهدیدها متوقف شود، اما تهدیدات همچنان ادامه پیدا کرد و این بدعهدی‌ها برای ملت ایران ناشناخته نیست. مردم ایران بارها وعده‌های دشمن را شنیده و نتیجه آن را دیده‌اند. از همین رو، جمهوری اسلامی ایران نه بر اساس وعده، بلکه بر مبنای اقدام واقعی طرف مقابل تصمیم خواهد گرفت.

طائب تأکید کرد: هر تعهدی باید اجرا شود و هر توافقی نیز باید در عمل به تأمین حقوق ملت ایران منجر شود. دشمن نمی‌تواند هم‌زمان تعهدات خود را نادیده بگیرد، تهدید کند و انتظار داشته باشد ایران از حقوق خود دست بکشد.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین در ادامه با تأکید بر مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال مذاکره گفت: ملت ایران نه تهدید را می‌پذیرد، نه تحمیل را و نه مذاکره‌ای را که نتیجه آن تضعیف حقوق کشور باشد. ایران مذاکره می‌کند، اما مرعوب نمی‌شود؛ گفت‌وگو می‌کند، اما از اصول خود عبور نمی‌کند. این موضع، موضع یک دولت یا جریان سیاسی نیست، بلکه خواست ملتی است که بهای استقلال خود را با خون بهترین فرزندانش پرداخته است. رئیس سازمان بسیج مستضعفین اظهار کرد: قدرت جمهوری اسلامی ایران از پیوند سه عنصر خون شهدا، رهبری هوشمندانه و اراده ملتی که تسلیم نمی‌شود، شکل گرفته است. حجت‌الاسلام طائب با تأکید بر اینکه پرچم مقاومت بر زمین نخواهد ماند، تصریح کرد: به پشتوانه همین قدرت، معادلات منطقه و جهان تغییر کرده و هیچ ابرقدرتی نمی‌تواند اراده خود را بر ملت ایران تحمیل کند.

گفت‌وگو

اصلاح آیین حکمرانی؟

صفار هرندی تبیین می‌کند



مصطفی نیرالی | نسیم

ادامه از صفحه یک

■ دشمن واقعی؟!

وقتی هرندی از دشمنی امریکا و اسرائیل می‌گوید ولی همزمان از «کم‌کاری‌ها و اشتباهات ما» و «نحوه‌ی مواجهه‌ی دولت‌ها با مردم» و اینکه «آیین حکمرانی ما ضعیف است»، یعنی علت‌ها را در یک دشمن خارجی محدود نمی‌کند و یک الگوی تازه پیش‌رو قرار می‌دهد. الگویی که در آن ضعف حکمرانی، نارضایتی اجتماعی می‌آورد و این دومی سوءاستفاده دشمن را به دنبال دارد. دشمن فقط زمانی موفق می‌شود که حکمرانی داخلی آسیب‌پذیری ایجاد کرده باشد. بنابراین اصلاح آیین حکمرانی تبدیل می‌شود به بخشی از استراتژی امنیت ملی.

اینجاست که «سرمایه اجتماعی» معنای امنیتی پیدا می‌کند. هرندی سرمایه اجتماعی را فقط برای رضایت مردم نمی‌خواهد. او صریحاً آن را در ارتباط با توان مقاومت در برابر عملیات دشمن قرار می‌دهد. وقتی سرمایه اجتماعی بالا رفت، انسجام اجتماعی می‌آورد و این برای شکست پروژه‌ی آشوب و پس از آن تضمین امنیت نظام راه‌حل اساسی است. پس بازسازی سرمایه اجتماعی با تجمیع سیاست رفاهی و سیاست مشروعیت و سیاست امنیتی ممکن است. فلذا اگر به اصلاح برخی رویه‌های اجتماعی و سیاسی واقعاً روکرده‌ایم، مسئله‌ی ما کاهش آسیب‌پذیری نظام در برابر بحران بعدی است.

«مردم دیدند نظام می‌تواند با قدرت‌های بزرگ پنجه در پنجه بیندازد و کم نیاورد». یعنی سرمایه اجتماعی از نظر هرندی فقط از خدمات دولت در آب و برق و اقتصاد و فساد و خودرو نمی‌آید. منبع دوم و مهم‌تری هم دارد که قدرت ملی خارجی و توان مقاومت در برابر قدرت‌های بزرگ است. این دومی در جنگ به دست آمد. پس اگر قدرت ملی را با کارآمدی حکمرانی و مشارکت مردم با هم داشته باشیم، می‌توان مشروعیت جمهوری اسلامی را بازسازی کرد.

■ درباره حجاب

می‌دانم بسیاری از کسان وقتی سخن از اصلاح آیین حکمرانی به میان می‌آید، نگاه‌شان به مسئله حجاب دوخته می‌شود. از خود هرندی در این‌باره پرسیدم که منظورش از نارضایتی عمومی از بی‌حجابی آن‌هم وقتی بخش قابل توجهی بی‌حجاب در جامعه (دست‌کم در ظاهر و خیابان) هستند، چیست؟ او پاسخ داد که آیین حکمرانی درباره‌ی حجاب دیگر «برخورد در خیابان» نیست ولی حتی کسانی که حجاب ندارند، از ولنگاری و عریانی آن دسته‌ی «بسیار در اقلیت» ناراضی هستند. یعنی این تغییرات باید کنار هم دیده شود. اگر برخورد با بی‌حجابی دیگر در خیابان نیست، نباید اکثریت جامعه که از عریانی نارضایتی دارند، نادیده گرفته شوند. هرندی توضیح می‌دهد که در زمان برخی از فرماندهان سابق پلیس در مقام یک مشاور پیشنهاد داده است که پلیس زن با مانتو در جامعه داشته باشیم، نه فقط با چادر، تا آن خانمی که چادر ندارد و مانتویی است، پلیس را هم نزدیک به خود احساس کند.

می‌توان تصور کرد این یعنی اولویت سیاست فرهنگی شاید از کنترل یک نماد خاص، یعنی حجاب به سمت بازسازی اخلاق عمومی و اعتماد اجتماعی حرکت می‌کند. مردم باید ابتدا اعتماد کنند، سپس بپذیرند و آن‌گاه خود به اخلاق اجتماعی پایبند خواهند شد. این اساساً در جهت تقابل با «سکولاریزه‌شدن سیاست فرهنگی» است که برخی دنبال می‌کنند.

■ بازسازی درون‌ساختاری

من از سخنان هرندی یک «بازسازی درون‌ساختاری» را بیشتر از قبل جدی می‌گیرم. این بازسازی اگر واقعاً اجرا شود، می‌تواند در پنج حوزه اتفاق بیفتد. در حوزه‌ی اجتماعی با کاهش اصطکاک حکومت و جامعه؛ در حوزه‌ی سیاسی با احزاب واقعی‌تر، رقابت درون‌ساختاری و معیارهای روشن‌تر برای ورود به قدرت؛ در حوزه‌ی حقوقی با تفسیر و اجرای متفاوت ظرفیت‌های قانون اساسی؛ در حوزه‌ی حکمرانی با دولت کارآمدتر، مسئله‌محورتر و کمتر متمرکز؛ و در حوزه‌ی فرهنگی با عبور نسبی از سیاست فرهنگی صرفاً کنترلی به سمت بازسازی فرهنگ عمومی.

و همه چیز بستگی دارد به اینکه «اصلاح‌پذیری» در نهایت چه چیزی را شامل شود. اگر منظور از اصلاح این باشد که دولت بهتر کار کند، مردم بیشتر مشارکت کنند، احزاب تشکیل شوند، شورای نگهبان معیارهای روشن‌تری داشته باشد، و محدودیت‌های اجتماعی کمتر شود، آن‌گاه واقعاً می‌توان از نسخه جدید جمهوری اسلامی صحبت کرد. و هرندی اگرچه نمی‌خواهد برای جمهوری اسلامی «ساختار جدید» بنویسد ولی «نسخه‌ی جدید» درمان دردها چرا! او درباره‌ی «الزامات حکمرانی در دوره‌ی پساجنگ» یک برنامه‌ی راهبردی می‌دهد: «اگر قرار است از ظرفیت جدید اجتماعی ایجادشده پس از جنگ استفاده کنیم، باید این ظرفیت را در قالب یک آیین حکمرانی جدید، اصلاح‌شده و مسئله‌محور به کار بگیریم». چون جنگ یک «سرمایه‌ی اجتماعی جدید» تولید کرده است. اکنون مسئله‌ی ما این شده که چگونه این سرمایه‌ی اجتماعی را در یک نظم حکمرانی جدید نهادینه کنیم. این دیگر فقط حرف درباره انتخابات یا حجاب نیست. این طرحی برای پساجنگ است.

پس هرندی احتمالاً دارد از یک «بازتنظیم درون‌ساختاری جمهوری اسلامی» سخن می‌گوید. حفظ ساختار و اصول بنیادین نظام، اما تغییر محسوس در آیین حکمرانی، رابطه حکومت و جامعه، شیوه‌ی مشارکت مردم، سازمان‌یافتگی سیاست، نحوه‌ی اعمال نظارت انتخاباتی، مدیریت اقتصادی و فرهنگی، و حتی تفسیر و اجرای برخی ظرفیت‌های قانون اساسی. برای این ادعای خود چند نشانه دارم که همان به‌رسمیت شناختن اصلاح‌طلبان درون‌ساختاری به‌عنوان یک نیروی قابل استفاده، اشاره به امکان برداشت جدید از قوانین بدون لزوماً تغییر قانون اساسی و تعریف «بعثت مردم» به‌عنوان مشارکت در اداره کشور، نه فقط حضور خیابانی برای حمایت از نظام است. در مقابل، سه خط قرمز هم کاملاً روشن است. اصل جمهوری اسلامی، ساختار کلی نظام و مرز ساختارشکنی قرار نیست موضوع مذاکره باشند. آزمون واقعی این پروژه سه‌چیز خواهد بود: شورای نگهبان، احزاب، و انتخابات. اگر در این سه حوزه تغییر واقعی رخ دهد، آن‌وقت می‌توان گفت هرندی صرفاً شعار نداده است و یک تغییر محتوم را پیش‌بینی کرده است. اگر در سال‌های آینده واقعاً شاهد تعریف قانونی و روشن معیارهای ردصلاحیت، محدودترشدن تفسیر ساختارشکنی، شکل‌گیری احزاب واقعی و افزایش دامنه‌ی رقابت سیاسی باشیم، آن‌وقت می‌توان گفت این سخنرانی واقعاً بخشی از یک بازتنظیم سیاسی درون نظام بوده است.

این حرف‌ها در سنت سیاسی جمهوری اسلامی حرف کوچکی نیست. چون نظام ایران تاکنون تا حد زیادی با جریان‌ها، ائتلاف‌ها، شخصیت‌ها و شبکه‌های غیررسمی و فاقد تحزب کار کرده است. هرندی دقیقاً همین وضعیت را نقد می‌کند: «یک کسانی بالا آمده و کسانی کنار می‌روند»! و از «احزاب بی‌تابلو» انتقاد می‌کند. پس شاید نظام می‌خواهد سیاست را از حالت شخص‌محور و شبکه‌محور به سمت سیاست سازمان‌یافته ببرد. این‌ها پیامد بسیار بزرگی خواهد داشت. مسئولیت‌پذیری سیاسی افزایش می‌یابد؛ حزب باید برنامه بدهد؛ حزب باید در برابر عملکرد دولت پاسخگو باشد (مشکل بسیار بزرگ ما که هیچ‌کس پاسخگو نیست!)؛ گردش نخبگان سازمان‌یافته‌تر می‌شود؛ و انتخابات از حالت «انتخاب فرد» به سمت «انتخاب برنامه و جریان» حرکت می‌کند.

■ انقلابی دیگر؟!

«بحران مشروعیت فقط با تبلیغات و فرهنگ حل نمی‌شود؛ حکومت باید بتواند کشور را اداره کند». این سخن هرندی را در ادبیات حکمرانی «مشروعیت ناشی از کارآمدی نزدیک» می‌نامند. این سخن را می‌توان مقابل برخی تراوشات و ترشحات فکری جریان‌های تندرو در دو طیف سیاسی دانست. مشروعیت یعنی جمع ایدئولوژی، مقاومت، مشارکت و کارآمدی. قرار نیست «انقلاب دوم» رخ دهد ولی قرار هم نیست که «وضع موجود» حفظ شود، بلکه قرار بر «حفظ معماری اصلی نظام و تغییر نحوه کارکرد آن» است. این دقیقاً با تفکیکی که خود هرندی می‌کند سازگار است: یک طرف کسانی هستند که می‌گویند «دست به ترکیب هیچ‌جایی نباید زد»، طرف دیگر کسانی که با شنیدن تغییر سراغ «انقلاب» می‌روند.

می‌توان با اطمینان بیشتری گفت هرندی دارد گفتمانی را صورت‌بندی می‌کند که برای بخشی از حاکمیت قابل‌قبول است. چون سخنرانی در یک فضای رسمی و در پژوهشکده‌ی شورای نگهبان انجام شده و در آنجا دقیقاً درباره «حکمرانی پساجنگ» بحث شده است. خود هرندی بعد از گفت‌وگو لازم می‌داند با دو پیامک بر موضوعی تأکید کند: «این صرفاً یک سخنرانی علمی در حوزه‌ی راهبردی بوده است. یک بحث نظری اصلاح‌جویانه در چارچوب مقتضیات پساجنگ و در محیطی پژوهشی (غیرژورنالیستی). آیین حکمرانی طبعاً متفاوت است با خود حکومت. آیین حکمرانی بر چگونه‌دیدن، چگونه تدبیرکردن، و چگونه اجراکردن، صدق می‌کند».

■ سناریوهای آینده

من دو سناریو را برای آینده محتمل می‌بینم که هر دو پربرکت است. در سناریوی اول با «ترمیم همراه با اقتدار»، نظام بعضی محدودیت‌های اجتماعی و اداری را کاهش می‌دهد، دولت کارآمدتر می‌شود، فضای اجتماعی کمی بازتر می‌شود، اما ساختار سیاسی اصلی دست‌نخورده می‌ماند. در سناریوی دوم می‌توان به «بازشدن کنترل‌شده سیاسی» فکر کرد. در این سناریو حزب‌های واقعی‌تر تشکیل می‌شوند، شورای نگهبان معیارهای روشن‌تری پیدا می‌کند، رقابت انتخاباتی گسترده‌تر می‌شود، اصلاح‌طلبان درون‌ساختاری مجال بیشتری پیدا می‌کنند و نوعی تکثر سیاسی مدیریت‌شده شکل می‌گیرد. به‌نظر می‌رسد اکنون بخشی از حاکمیت به این نتیجه رسیده که جمهوری اسلامی برای بقای بلندمدت خود نمی‌تواند با همان «آیین حکمرانی» دهه‌های گذشته ادامه دهد ولی راه‌حل موردنظر، فعلاً نه تغییر ساختار قدرت، بلکه بازسازی کارآمدی، افزایش مشارکت کنترل‌شده، کاهش برخی اصطکاک‌های اجتماعی، سازمان‌یافته‌کردن سیاست و بازتعریف رابطه حکومت با جامعه در درون همان ساختار است.

سرعت تحولات در تمامی بخش‌ها برق‌آسا شده است. نمی‌توان در سیاست و مسائل اجتماعی با سرعت کمتری پیش رفت!

گزیده خبر

هشدار قالیباف به وزیر جنگ امریکا

اگر به دارایی‌های ما حمله کنید به دارایی شما حمله می‌کنیم

رئیس مجلس شورای اسلامی در پاسخ به وزیر جنگ امریکا گفت: اگر به دارایی‌های ما حمله کنید، به دارایی‌های شرکت‌های نفتی و گازی امریکا در منطقه حمله خواهیم کرد.

به گزارش ایرنا، محمدباقر قالیباف در پاسخ به تهدیدات و لفاظی‌های اخیر «پیت هگست» وزیر جنگ امریکا در حساب کاربری خود در شبکه ایکس، از استراتژی نظامی جدید ایران سخن گفت و نوشت: ساده و قابل‌فهم است؛ زنجیره تولید نفت و گاز در این منطقه گسترده و پراکنده، در دسترس و آسیب‌پذیر است. شرکت‌های نفتی و گازی امریکایی که در این آب‌ها و تأسیسات فعالیت می‌کنند نیز همین‌قدر آسیب‌پذیر هستند. اگر به دارایی‌های ما حمله کنید، مورد حمله قرار خواهید گرفت. ما این توانایی را قبلاً ثابت کرده‌ایم. از پایگاه‌های نظامی‌تان که غیرعملیاتی شده‌اند، بپرسید.

روز جمعه برگزار می‌شود

رزمایش ۳۱۳ هزار نفری «جان‌فدایان ایران» در تهران

رزمایش بزرگ مردمی «جان‌فدایان ایران» با حضور ۳۱۳ هزار نفر از نیروهای مردمی، بسیج، سپاه و انتظامی، روز جمعه ۲۷ شهریورماه در تهران برگزار خواهد شد. این رزمایش با هدف نمایش انسجام و آمادگی نیروهای مردمی و مسلح و تقویت امنیت و اقتدار پایتخت برگزار می‌شود.

پیش‌تر سردار حسن حسن‌زاده فرمانده سپاه حضرت محمد رسول‌الله(ص) تهران بزرگ، دوم شهریورماه در همایش مشترک فرماندهان انتظامی و سپاه تهران بزرگ که با هدف «همدلی و هم‌افزایی هرچه بیشتر پایوران» و ارتقای عملکرد مأموریت‌های محوله در پایتخت برگزار شده بود، از برگزاری رزمایش بزرگ ۳۱۳ هزار نفره مردمی تحت عنوان «جان‌فدا» در آینده‌ای نزدیک خبر داده و اعلام کرده بود: این رزمایش که با مشارکت نیروهای مردمی و سازمان‌یافته طراحی شده، نمادی دیگر از هم‌افزایی بی‌نظیر بین سپاه، ناجا و اقشار مختلف جامعه در جهت ارتقای امنیت پایدار و مقابله با تهدیدات احتمالی خواهد بود.



آقای روحانی! خوش‌خدمتی برای امریکا کافی است

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در یادداشتی خطاب به رئیس‌جمهور اسبق با انتقاد از اظهارات وی درباره جنگ گفت: امریکای جنایتکار را بارها آزموده‌اید و امروز نباید با سخنان غیرواقعی مردم را سست و انسجام ملی را خدشه‌دار کنید.

در یادداشت علاءالدین بروجردی که روز گذشته در خبرگزاری خانه ملت منتشر شد، آمده است: آقای دکتر روحانی! خوش‌خدمتی برای امریکا کافی است. بسیار مایه تعجب است که امریکای جنایتکار را بارها آزموده‌اید و این سخنان را بر زبان می‌رانید. هنوز صدای شما در گوش ملت ایران طنین‌انداز است که «از امروز همه تحریم‌ها علیه ملت ایران لغو خواهد شد، تمام تحریم‌های مالی، تمام تحریم‌های بانکی، تمام تحریم‌های اقتصادی به طور کامل لغو خواهد شد و نه تعلیق».

حتی اگر خوش‌بینی شما در دوره اوباما واقع‌گرایانه باشد که نیست، پس از آنکه رئیس‌جمهور بعدی امریکا ترامپ سند رسمی با پشتوانه قطعنامه سازمان ملل را پاره کرد و کلاهی گشاد بر سر ملت ایران با ساده‌انگاری شما رفت، حداقل بر مبنای این حدیث شریف که «لا يلدَغُ المؤمنُ مِن جُحرٍ مرّتَين» مؤمن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود؛ امروز نباید این سخنان را بر زبان می‌آوردید. این عبارت عجیب شما که «به مردم بگویید قرار است که با قدرت‌های بزرگ بیست سال بجنگیم، اگر مردم قبول کردند برویم ادامه دهیم».

آقای روحانی! شما بعد از این همه تجربه و مشاهده جنگ‌های تحمیلی اول و دوم و سوم واقعاً نمی‌دانید جنگ به ما تحمیل شد؟! آیا ما تصمیم گرفتیم حمله کنیم یا دشمن به ما حمله کرد؟ چرا سعی می‌کنید با مطالب غیرواقعی متأثر از تفکر خود و مشاوران آتش‌بیار معرکه‌تان، مردم را در این صراط مستقیم الهی و دفاع مقدس سست کنید و جامعه را دو قطبی نمایید و انسجام ملی را به هم بزنید؟

البته ملت بزرگ ایران ثابت کرده است که با این سخنان در این مسیر الهی مستحکم‌تر خواهد شد و حضور پرقدرت آنها در سراسر کشور گواه روشن این مدعاست.

آقای روحانی! به آیه شریف قرآن اشاره کرده‌اید؛ حداقل آیات الهی را تحریف نکنید. جمله «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» را کامل بگویید که ناقص آن کفر است. خداوند متعال به پیامبر عظیم‌الشأن فرموده است: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ...» با یاران مشورت کن و هرگاه تصمیمی گرفتی (عزمت) به خدا توکل و اجرا کن.

آیا شما به عنوان رئیس‌جمهور اسبق واقعاً نمی‌دانید یا با کبر سن فراموش کرده‌اید که شورای عالی امنیت ملی و مجمع تشخیص مصلحت نظام در کنار مشاوران متعدد در رشته‌های مختلف، بازوان مشورتی رهبری هستند؟ آیا نمی‌دانید رهبر شهیدمان و مقام معظم رهبری حداکثر استفاده را از این اصل قرآنی نموده و با مشاوران نظامی، سیاسی، اقتصادی و... مشورت نموده و می‌نمایند و سپس تصمیم می‌گیرند؟

این چه جمله‌ای است که گفته‌اید: «او که پیغمبر بود مشورت می‌کرد، در این کشور هیچ‌کس از جانب خدا حاکم نیست، همه با رأی مردم بوده»؟ اولاً ولایت فقیه یک اصل قرآنی است که فرمود: «أَطِيعُوا اللهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ». نگاه ما به ولایت فقیه نگاه به یک اصل قرآنی الهی است و اگر نبود این موهبت الهی، امروز ما هم مانند بسیاری از کشورهای دیگر دنباله‌رو امریکا بودیم.

شما که به آیات قرآنی استناد می‌کنید، حتماً به خوبی با این آیه شریفه قرآن آشنا هستید که: «وَلَن تَرضَى عَنكَ اليَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُم»؛ امریکا و رژیم صهیونیستی به چیزی کمتر از تبعیت از آنها رضایت نمی‌دهند. با همه این‌ها ما آغازکننده این جنگ نبوده و نیستیم، ولی در برابر حمله دشمن با همه قوا می‌ایستیم تا جایی که رهبر معظم انقلاب اسلامی در کنار مردم و فرماندهان عالیقدر جان خود را فدا نمود و ملت بزرگ ما و ملت عراق با تشییع ۴۰ میلیونی پیکر مطهر ایشان، این جانفشانی و فداکاری را پاس داشتند. امروز رهبری معظم انقلاب و ملت بزرگ ایران با همه توان در برابر دشمن ایستاده‌اند و این ایستادگی به عنوان یک اراده ملی استمرار خواهد یافت و لو بلغ ما بلغ. امروز به فضل الهی ما برنده این جنگ تحمیلی هستیم و به شهادت منهدم نمودن همه پایگاه‌های امریکا در منطقه، آن‌هم با تأیید بیشتر تحلیلگران نظامی و سیاسی امریکا و نه ادعای ما؛ و این سیاست یک سیاست ثابت و دائم است، خیالتان راحت باشد آقای روحانی!